

ما و ظرفیت پذیرش اندیشه های بنیادگرایانه

علی قادری

سرمقاله

وقتی مردم به فراموشی سپرده شود

حفیظ الله زکی

روز سسی ام جوزا برابر با روز جهانی مهاجرت بود و از این روز در افغانستان نیز تجلیل گردید.

رییس جمهور در پیوند با روز جهانی مهاجرت گفت که تلاش می کند تا افغانستان به خانه مشترک و امن برای همه افغان ها تبدیل شود و هیچ فردی در افغانستان به بیرون شدن از خانه و قریه خویش مجبور نشود.

یکی از مسایلی که امروزه به یک پدیده تکراری و خسته کننده تبدیل شده وعده هایی است که از سوی مقامات دولتی به مردم داده می شود، اما پس از چهار- پنج سال همه می دانند که حتا فیصدی اندکی از وعده های داده شده عملی نشده است. از اینرو امروزه این وعده ها اهمیت و اعتبار خود را از دست داده و مردم نسبت به کارکردهای مثبت ادارات و سازمان های دولتی کاملاً بی باور است.

وقتی مردم می بینند که گروه طالبان قدرتمندتر از گذشته، امنیت مناطق و ولایات را به چالش می کشانند و زمانی که گروه تندرو و بیرحم دیگری به نام داعش در افغانستان ظهور می کند و در اندک زمان نفوذش را در بسیاری از مناطق و ولایات گسترش می دهد و علناً مردم را به پیوستن به این گروه فرامی خواند، وقتی که مردم در اثر کمکاری و سهل انگاری های حکومت به فقر و بیکاری مطلق به سر می برند و توان تأمین ضروری ترین و حیاتی ترین احتیاجات شان را ندارند، چگونه به این باور برسند که حکومت بتواند افغانستان را به سرزمین امن و آباد برای مردم افغانستان تبدیل کند.

پیش از سه و نیم دهه تا امنی و جنگ در افغانستان، سبب شد که ملیون ها شهروند کشور به کشورهای خارجی پناه ببرند. در این میان دو کشور همسایه افغانستان یعنی پاکستان و ایران، میزبان بیشترین جمعیت مهاجر در کشورشان بوده اند.

موضوع مهاجرت از یکسو همواره به عنوان چالش در کشورهای میزبان مطرح بوده و این کشورها مهاجرین افغان را سبب ناامنی های اجتماعی و نابسامانی های داخلی در کشورشان می دانسته است و از سوی دیگر از همین جمعیت مهاجر هر از گاهی به عنوان اهرم فشار بر دولت افغانستان استفاده شده است.

در سالهای اول حکومت کرزی با کمک کمیشنری عالی ملل متحد برنامه هایی برای بازگشت داوطلبانه مهاجرین از کشورهای خارجی روی دست گرفته شد و در چوکات همین برنامه صدها هزار خانواده از کشورهای همسایه به وطن بازگشتند، اما سهل انگاری های حکومت نسبت به احتیاجات عودت کنندگان و فراهم نکردن امکانات اولیه زندگی برای آنان و عدم ایجاد فرصت های شغلی و توزیع نمرات رهاپیشی برای مهاجرین از یک طرف و گسترش فقر، بیکاری و ناامنی از سوی دیگر نه تنها روند بازگشت مهاجرین را متوقف کرد که سبب شد هزاران جوان این سرزمین از روی ناچاری و ناامیدی خطرات مهاجرت به کشورهای توسعه یافته را متقبل شوند.

در نتیجه پس از چهارده سال، حکومت نه تنها نتوانسته که روند بازگشت مهاجرین از کشورهای همسایه را سرعت بخشد، که مجبورت های دیگری برای موج جدیدی از مهاجرت به کشورهای خارج را خلق کرد.

افغانستان دیگر قادر نیست که زمینه بازگشت داوطلبانه مهاجران را فراهم آورد و این توان و ظرفیت در دولت فعلی دیده نمی شود که با ایجاد فرصت های شغلی و تحصیلی، جوانان این سرزمین را در داخل کشور مصروف نگه دارند و با ایجاد رفاه نسبی اقتصادی رضایت شهروندان را جلب نماید.

افزایش ناامنی و سقوط ولسوالی های مختلف و رشد روز افزون فساد در کشور نشان این است که اقتدار مرکزی نظام سیاسی رو به فرسایش نهاده و این نظام قادر به حل مضلات و چالش های درونی خود نمی باشد.

از اینرو روند مهاجرت شهروندان کشور به کشورهای خارجی رو به فزونی نهاده و آمار مهاجرین افغان بار دیگر بالا خواهند رفت. بر اساس آمار ارایه شده از سوی کمیشنری عالی ملل متحد در سال ۲۰۱۴ افغانستان پس از سوریه بلندترین آمار مهاجران در جهان را داشته است. این آمار نشان دهنده وضعیت شکننده، بی ثبات و توأم با ناامیدی در داخل کشور است.

واشنگتن پست چند روز پیش از حضور افغان ها در میدان جنگ عراق و سوریه خبر داده بود. در این روزنامه آمده بود که جوانی ۲۳ ساله و فارغ تحصیل رشته کامپیوتر ساپنس دانشگاه کابل به سوریه رفته است و به داعش پیوسته است و در میدان جنگ کشته شده است. این روزنامه همچنین نوشته بود که حضور افغان ها در میدان جنگ در خاورمیانه امکان حضور پر قدرت داعش در افغانستان را ممکن می گرداند. در طرف دیگر، گزارش منتشر شد که گروه داعش فردی را در ولایت ننگرهار در شرق افغانستان سر بریده است. این مسئله بیانگر چیست؟ آیا افغان ها از داعش استقبال خواهد کرد؟ آیا نهاد های تحصیلی افراط گرای و تندروی را تقویت می کند؟ چگونه می توان از حضور داعش در افغانستان جلوگیری کرد. در نوشتار کنونی، به دنبال پاسخ به سوال های مذکور می باشیم.

جامعه ما، سنتی و قبیله ای است. باور ها و سنت های قبیله ای در جامعه ما حاکم است. از این جهت، می توان گفت که باور ها و آموزه های دینی به روز نشده است و به شکل سنتی و قدیمی باقی مانده است. در باور ها و سنت های قدیمی تفکیک میان خود(مسلمان) و دیگری(کافر) وجود دارد. همین تفکیک باعث تحریک ما در رفتن به میادین جنگ در خاورمیانه می شود. داعش به عنوان یک گروه تندرو و افراطی نه تنها تشکیک در باور ها و سنت های کهن ما به وجود نمی آورد بلکه داعش منجر به تقویت باور های سنتی ما می شود و باعث می شود در برابر دیگری واکنش نشان دهیم. اما، در باور های داعشی این دیگری تنها کشور های غیر مسلمان نیست. بلکه خود کشور های اسلامی و مسلمانان دیگری است که از سنت و دین دور شده اند. زمانی که داعش در عراق و سوریه فعالیت خود را آغاز نمود، هیچ نیروی خارجی در آن کشور ها حضور نداشتند. برای داعش، دیگری همه کشور های مسلمان و غیر مسلمان است که در برابر اهداف شان ایستادگی می کند. اینکه

افغان ها داعش را در عراق و سوریه همراهی می کند به این خاطر است که قبل از آن اندیشه های ابوعلی مودودی اندیشمند شبه قاره هند و سید قطب در افغانستان در دهه ۱۹۹۰ نفوذ کرده بود. این اندیشه ها، امکان و فرصت تعریف دیگری را برای افغان ها ممکن گردانید. بنا بر اندیشه سید قطب و ابوعلی مودودی ما قبل از آن که نیازمند امر به معروف و نهی از منکر کشور های غیر مسلمان باشیم، نیازمند امر معروف و نهی از منکر خود مسلمان هایم. زیرا، مسلمان ها خود از شریعت فاصله گرفته اند. داعش دقیقاً بر همین مبنا اندیشه های خود را استوار نموده است. بر اساس همین مبنا است که در عراق و سوریه می جنگند و تا با فروپاشی و شکست دولت های ملی در آنجا امکان شکل دهی خلافت اسلامی فراکشوری خود را ممکن گرداند.

از آنجایی که ما در دهه ۱۹۹۰ با اندیشه های بنیادگرایانه آشنا بوده ایم، داعش را در جنگ با کشور های اسلامی همراهی می کنیم. از این جهت، امکان حضور داعش در افغانستان به شکل قدرتمند و با حمایت مردم وجود دارد. اما حضور افغان ها در جنگ داعش در عراق و سوریه این فرصت را برای تندروان و افراط گرایان افغانستانی می کند تا با استراتژی ها و تاکتیک های جنگی داعش آشنا گردد و به صورت متضات از دیگر گروه های تندرو جنگ در افغانستان را آغاز نماید. با این حال، تنها حضور افغان ها در عراق و سوریه فرصت آشنایی را با اندیشه های بنیادگرایانه را فراهم نمی کند.

اول: بهبود کارایی حکومت و حضور حکومت در سراسر افغانستان. یکی از دلایل حضور داعش و جذب نیرو در کشور به خاطر ضعف حاکمیت حکومت مرکزی است. دانشگاه شرعیات یکی از مراکز است که به شکل اساسی به پخش و نشر اندیشه های بنیادگرایانه مبادرت می ورزد. مسئله اما، تنها به دانشکده شرعیات ختم نمی شود. بلکه تمام دانشکده ها با تدریس ثقافت اسلامی به نشر و پخش اندیشه های

نیروهای امنیتی کشور نیز، انگیزه کافی



برای مبارزه با گروه های تندرو را دارد اما مشکل اساسی و جدی اراده سیاسی است. نخبگان سیاسی ما هم اراده سیاسی برای مبارزه با افراط گرای را ندارد. این دو مدیریت نیرو های امنیتی را ندارد. این دو مسئله باعث شده است که بار ها، نیرو های امنیتی کشور، در میادین جنگ بدون حمایت و پشتیبانی بماند. اساسی ترین مسئله بهبود کارایی و جلب رضایت مردم و حمایت نخبگان سیاسی از نیرو های امنیتی کشور است.

دوم: همان طور که در بالا متذکر شدیم، باور های مردم افغانستان تا اندازه زیاد دست نخورده باقی مانده است. نهاد های تحصیلی و آموزشی ما اما، نه تنها تشکیکی در باور های سنتی ایجاد نمی کند بلکه این نهاد ها سعی می کند پایه های باور های سنتی را تقویت نماید. ما نیازمند آتیم تا باور و سنت های قدیمی را کنار بگذاریم و فهم عقلانی از آن ارائه نمایم. سال هاست که روشنفکران ما سخن از ترویج افراط گرای در دانشگاه های کشور می زند اما هیچ نهادی توجه به دغدغه روشنفکران ندارد.

برای مبارزه با گروه های تندرو ما باید در متون درسی نهاد های آموزشی تغییرات اساسی آورده شود. تنها با این دگرگونی در نهاد های آموزشی است که امکان تغییر در باور ها را ممکن می گرداند. سوم: ارتباط مداوم حکومت با مردم روستا. بخش زیادی از نیرو های گروه های تندرو از روستا های کشور جلب و جذب می شود. این مسئله ناشی از عدم ارتباط مداوم حکومت مرکزی با روستای های کشور است. ارتباط حکومت و نخبگان سیاسی تنها به زمان کارزار های انتخاباتی بر می گردد. در فرای انتخابات روستا فراموش می شود. فرصت این چنینی از مردم روستا آن ها را سرخورده و در نهایت، باعث می شود که آن ها به گروه های تندرو بپیوندند.

بنابراین، با اقدامات می توان از حضور داعش در افغانستان جلوگیری کرد. در صورتی که حکومت کاری در این مورد نکند، بدون شک، داعش سر های زیادی را خواهد برید و زمینه های برچیدن حکومت را فراهم خواهد کرد.

استراتژی پراکندگی جنگ گروه طالبان و استراتژی نامشخص حکومت

عبدالرحمن فهیمی

که دولت به برخی از فرماندهان جهادی پیشین در سمت شمال اسلحه توزیع کرده است. گزارش های مبنی بر نزدیکی جنرال

در ولسوالی های این ولایت بکاهدت و عملیات های نظامی پاک سازی را اجرا کنند، خبر نگران کننده از کندز می رسد و حکایت گر سقوط کامل اداره ولسوالی

محلی از حکومت مرکزی و واحد ارتش در منطقه، درخواست حمایت می کند. ارتش نیز با تمام قوت حاضر شده و جهت راندن دشمن آمادگی می گیرد. یعنی نیروهای



دوستم معاون اول ریاست جمهوری و عطا محمد نور سرپرست ولایت بلخ، وجود دارد. گفته می شود که بین فرماندهان نظامی دو حزب - جمعیت و جنبش - هم آهنگی های ایجاد شده و قرار است که هر دو حزب به صورت مشترک در برابر به فرماندهان دانا و متخصص ارتش ملی باورمند بوده و می داند که در پی چنین طرح هستند. اما این قدر می تواند گوش زد نماید که هر گونه طرح که ریخته می شود و استراتژی که تدوین می شود، بایدستی بر محوریت ارتش ملی باشد. یعنی این که طرح بر محوریت ارتش سنجدیده شده و اجرا گردد. حساب باز کردن، روی نیروهای موازی نظامی، ممکن است در کوتاه مدت، جواب قابل انتظار دهد، اما در درازمدت، باعث خلق و آفرینش چالش های جدید و تازه خواهد شد.

یکی از گزینه های که برسر میز دولت موجود است و تا حدود آن را عملی نیز کرده است، تسلیح مردم و دسته های جهادی می باشد. مردم به صورت خودجوش در برخی مناطق در برابر گروه طالبان ایستاده اند و آن گروه را از منطقه ای خود رانده اند، اما گزارش ها و گپ و گفت های حاکی است

است. اگر کندز را مورد توجه قرار دهند، دوباره بدخشان یا یکی از ولایت های دیگر مورد تهدید جدی قرار می گیرد. نگارنده این متن، خودش را از ارائه طرح، عاجز و تا توان می داند.

به فرماندهان دانا و متخصص ارتش ملی باورمند بوده و می داند که در پی چنین طرح هستند. اما این قدر می تواند گوش زد نماید که هر گونه طرح که ریخته می شود و استراتژی که تدوین می شود، بایدستی بر محوریت ارتش ملی باشد. یعنی این که طرح بر محوریت ارتش سنجدیده شده و اجرا گردد. حساب باز کردن، روی نیروهای موازی نظامی، ممکن است در کوتاه مدت، جواب قابل انتظار دهد، اما در درازمدت، باعث خلق و آفرینش چالش های جدید و تازه خواهد شد.

اگر ولایت های جنوب، غرب و مرکز را به صورت نسبی آرام تصور کنیم، وزارت دفاع و فرماندهان ارتش، سرگشته و حیران شده اند که در سمت شمال، کدام ولایت و کدام ولسوالی را مورد تمرکز قرار دهند.

اگر فعالیت های شان را متوجه بدخشان می نمایند، تا از نفوذ و حضور دشمن

پساده و هواپیماهای جنگی را بسیج می کند. از اثر تلاش، طرح، مبارزه، عرق ریزی و خون ریزی سربازان وطن، ولسوالی میگان از جنگ دشمن آزاد شده و دولت دوباره استیلا می یابد. اما لحظاتی پس از پیروزی و ششور و نشاط سربازان، خیر سقوط ولسوالی چاردره کندز می رسد.

بنابراین، وزارت دفاع ملی و سازمان های امنیتی همکار، تا هنوز قادر به طرح و اجرای استراتژی جنگی نشده اند که فرماندهان که طرح و پلان نبردها را می ریزند و سربازان خط مقدم، شبیه ظرف پر از آب است که از هر طرف لبریز شده است. اگر در یک طرف دست را گرفت تا مانع ریزش آب شد، از طرف دیگر آب می ریزد.

اگر ولایت های جنوب، غرب و مرکز را به صورت نسبی آرام تصور کنیم، وزارت دفاع و فرماندهان ارتش، سرگشته و حیران شده اند که در سمت شمال، کدام ولایت و کدام ولسوالی را مورد تمرکز قرار دهند.

اگر فعالیت های شان را متوجه بدخشان می نمایند، تا از نفوذ و حضور دشمن

نیروهای ارتش ملی دست به دست می گردد. ولایت های بدخشان و کندز، بیشترین جنگ ها و نبردها را تا به حال تجربه کرده اند. دسته ای طالبان با حمله بر یکی از ولسوالی ها، کنترل آن را از جنگ نیروهای پولیس خارج کرده و خود در دست می گیرند، اما به زودی نیروهای ارتش ملی جهت بازپس گیری حاضر شده و عملیات را آغاز می کنند.

در هفته پیش، اداره ولسوالی «بمگان» بدخشان در دست گروه طالبان افتاد. فرماندهان ارتش و پولیس، عقب نشینی سربازان را از این ولسوالی تاکتیک جنگی تعریف کردند. اما از همان روز سقوط، تا دیروز، تلاش های بازپس گیرانه جریان داشت و در نتیجه اداره این ولسوالی دوباره در دست نیروهای دولتی افتاد. شور و نشاط سربازان ارتش و پولیس در نخستین دقیق اش بود که خیر سقوط ولسوالی «چاردره» کندز از راه رسید. تعداد از سربازان و فرماندهان ارتش به ویژه جنرال همیشه فاتح دگر جنرال مرادعلی مراد، معاون اول ستاد ارتش ملی، رهسپار کندز شدند.

به نظر می رسد که گروه طالبان، استراتژی «پراکندگی» و پخش جنگ را روی دست گرفته اند. بر اساس این استراتژی، تلاش می گردد، در نقاط مختلف و در مواضع گونه گون، جنگ آغاز گردد. در این صورت، نیروهای ارتش و به صورت عمومی نیروهای نظامی و امنیتی را در جبهه ها و مواضع گونه گون، سرگرم و مصروف می کنند. این گونه، ارتش نمی تواند در یک جا تمرکز کرده و از تمام توان برای نابودی کارگیرد.

آن گونه که دیده می شود، تا به حال، دولت در یک جا و در یک موضع نیروی اش را متمرکز می کند. با متمرکز کردن تمام نیرو و امکانات اندک نظامی، گروه طالبان آن بخش را ترک گفته و با مقاومت نه چندان جدی عقب نشینی می کند. اما در عوض، پیشاپیش نیروی جنگی اش را به موضع دیگر منتقل کرده و پلان حمله را هم ریخته است.

از این رو، به محض آزاد سازی و بازتصرف یک ولسوالی، خیر ولسوالی دیگر در همان ولایت یا یکی از ولایت های هم جوار به گوش می آید.

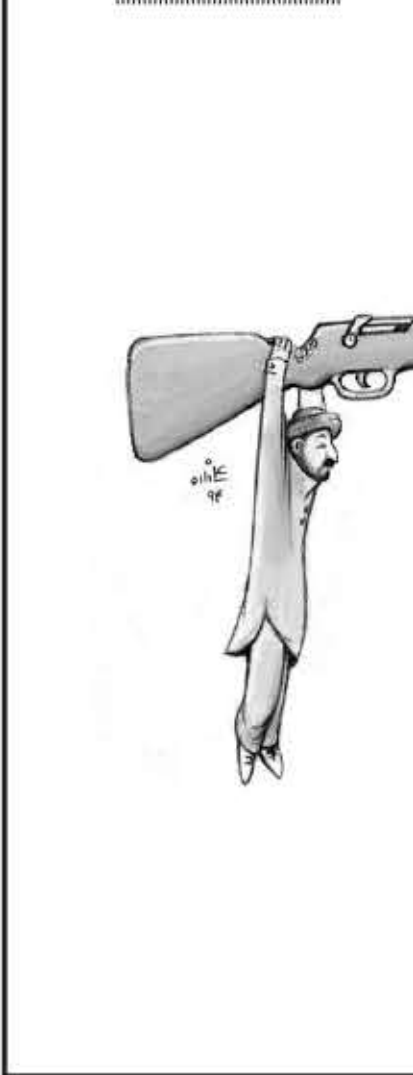
به گونه ای مثال، ولسوالی بمگان بدخشان، از جنگ نیروهای دولتی خارج و به جنگ مخالفین می افتد. حکومت

به نظر می آید که گروه طالبان در سال جاری، استراتژی جنگی متفاوت از سال های پیش را روی دست گرفته است. پیش از این، این گروه، بیشتر با روش «پارتیزانی» به نبرد با دسته های نظامی خارجی و واحدهای نظامی ارتش، می پرداخت. از این رهگذر، حمله های کوچک نظامی را اجرا می کرد و در برخی مناطق شهری حمله های «انتحاری» بر تلفات را انجام می داد.

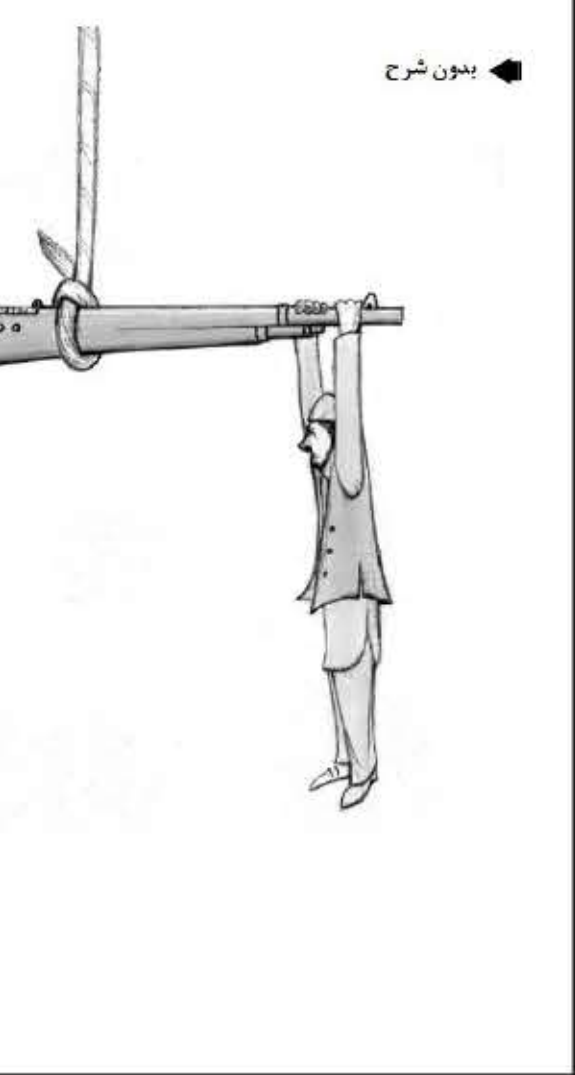
اما اساساً، رویکرد حمله های کلان و بزرگ را در ولایت های عمدتاً شمالی کشور روی دست گرفته است.

در سال جاری ولایت های شمال کشور به صورت جدی تا امن است. نه تنها که هر یک از ولسوالی ها در این سمت، شاهد درگیری های جدی می باشد، برخی ولسوالی ها میان گروه طالبان و

کارتون روز



بدون شرح



روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیاتگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد. روزنامه افغانستان بخش دری و پستی روزنامه اوت لوک افغانستان است. www.dailyafghanistan.com Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
مدیر مسول: محمد رضا هویدا
سردبیر: حفیظ الله زکی
کارکاتوریست: خالق علی زاده
دیزاین: محمد صالحی، علی اصغر زاهدی
مسئول وب سایت: محمد علی بهرامی
آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۳۷

افغانستان The Daily Afghanistan
Outlook AFGHANISTAN The Leading Independent Magazine